

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما  
Tel:0046720077654

# ایسکرا ۶۷۸

اساس سوسی‌الیسم  
انسان است.  
سوسی‌الیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه‌ها منتشر میشود

۱۴ خرداد ۱۳۹۲، ۵ ژوئن ۲۰۱۳

سرمدییر عبدال کلپریان



فرزام کرباسی

## مضحکه‌ای به نام شورای شهر و روستا

گردد. البته فرمان تشکیل این نوع شوراها، پیشتر توسط خمینی جنایتکار صادر شده بود که تا سال ۱۳۷۷ مسکوت مانده بود.

به طور کلی وظیفه و دلیل وجودی شوراها شهر و روستا که

صفحه ۳

هم زمان با نمایش کمندی انتخابات در روز ۲۴ خرداد، انتخابات شوراها شهر و روستا نیز در سراسر ایران برگزار می شود. سابقه تشکیل اولین دوره شوراها به سال ۱۳۷۷ ودوره دولت خاتمی و اصلاحات کذایی او برمی

## دریوزگی پژاک در بارگاه خامنه‌ای

نامه سرگشاده باید دید.

جریانهای ارتجاعی وقوم پرست همانند پژاک راهی را میروند که حزب دمکرات کردستان ایران سر رهبرانش را در این راه گذاشت و بجایی نرسید. انسانهای شریفی در صفوف جریانهای قوم پرست ومرتجع اسلحه برداشتند و بر علیه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی تحت رهبری چنین جریاناتی که پشتیبانی برای مردم از زن و مرد پیر و جوان کارگر و زحمتکش وخواست هایشان قایل نیستند دست به مبارزه زدند. این نیروها اگر حداقل نفوذی هم می داشتند حاضر بودند آنها در راه مصالحه و سهم شدن در قبال ناچیز ترین امتیاز به پیشگاه سران جنایتکار رژیم اسلامی ببرند آنها هم به این امید که کدخدایی چهار روستا را بر عهده بگیرند. این ماهیت واقعی پژاک میباشد. صفحه ۲



حیدر گویلی

پژاک درنامه سرگشاده ای به علی خامنه‌ای تاریخ پادشاهان و سلاطین را یادآوری کرده است تا شاید سرکرده جنایتکار جمهوری اسلامی را به این قناعت برساند که پژاک را در کردستان ایران ازسر لطف و مرحمت و دمکراسی خواهیش دریغشیرد سیاستهای دمکرات متشانه جمهوری اسلامی شریک نماید. صد البته ماهیت پژاک را هزاربار در این

## متن پیاده شده گفتگوی نسان نودینیان باحیدر گویلی ومحمد آسنگران در مورد مذاکره پ.ک.ک ودولت ترکیه!

نسان نودینیان: خیلی خوش آمدید، در برنامه امشب ما درمورد پیام عبدالله اوجلان، پیامدهای این پیام وموقعیت جدیدی که درکردستان ترکیه پیش آمده ودرجریان است صحبت میکنیم! من نسان نودینیان هستم با محمد آسنگران وحیدرگویلی!

از محمد آسنگران شروع میکنیم، فکر میکنید این عبدالله اوجلان ابتدا به ساکن بود یا یک پروسه ای دارد، به اینجارسیده است؟ عبدالله اوجلان اعلام کرده؛ ما مبارزه مسلحانه راتمام میکنیم میگوید دوره آشتی ودمکراسی



است، این پروسه اش ازکجا شروع میشود من دوست دارم قبل ازاینکه واردجنبه های تحلیل تر و استنتاجهای سیاسی تر این قضیه شویم ازکل ماجرای بازبینی نسبتا تاریخی شروع کنیم. هرکدام صفحه ۲

## نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



باشد))! چه کسانی وکی! به سوال نیما ابراهیم زاده جواب میدهد؟ «من امروز به شما نیاز دارم فردا شاید خیلی دیر باشد. من در این روزهای سخت به شما روی آورده ام، از شما چیزی نمیخواهم، جز اینکه خواهان آزادی پدرم باشید. من در این روزهای سخت شیمی درمانی، صفحه ۷

مردم در شهرهای کردستان ایران، به استقبال نامه زانیار مرادی رفتند. (به همسن و سالهای خودم در سراسر جهان از فکر کردن به مرگ، بیزارم، نمیخواهم با آرزوهایم زیر خاک بروم!) و امروز نیما خطاب به ما مینویسد: ((من امروز به شما نیاز دارم، فردا شاید خیلی دیر

مختصری از تاریخ یک دوره / عبدال کلپریان / بخش دوازدهم	صفحه ۹
من نیما ابراهیم زاده فرزند بهنام ابراهیم زاده ام و از شما سوالی دارم؟	صفحه ۱۰
امسال هم کنفرانس سازمان جهانی کار با فریاد جمهوری اسلامی را اخراج کنید! افتتاح شد!	صفحه ۱۱
شرایط کار و زندگی کارگران مهاجر در کردستان عراق / بخش دوم	صفحه ۱۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## مذاکره پ. ک. ک و دولت ترکیه...

از صفحه ۱

میتوانیم به سهم خود مان جنبه ها و گوشه هایی از این قضیه را توضیح دهیم.

**محمد آسنگران:** خوب طبعاً این مساله پروسه معینی داشته است. اینظوری نبوده که یک دفعه و یک روزه اتفاقی افتاده باشد. بارها پ.ک.ک آتش بس اعلام کرده است. بارها سعی کرده است با دولت ترکیه وارد مذاکره شود و ترکیه این را قبول نکرده است. اما با توجه به تغییراتی که در منطقه اتفاق افتاده است و نیازهایی که برای حاکمان ترکیه مطرح شده است، امروز سیاست دیگری را در پیش گرفته اند. این تحولات هم برای پ.ک.ک و هم برای دولت ترکیه معنی دارد. این تحولات است که این پروسه امروز را شکل عملی و اجرایی داده است. سیاستی که اعلام رسمی آن را امروز از زبان اوچالان و اردوغان می شنویم معنی امروزی و نیازهای دو طرف در دل تحولات سیاسی منطقه را برای آنها نشان میدهد.

پ.ک.ک قبلاً هم در پی مذاکره بود اما به نتیجه نرسید. بعداً و در دل تحولات امروز منطقه بود که در زندان امرالی این مذاکرات به طور جدی اتفاق افتاد. امرالی جایی است که اوچالان در آنجا زندانی است. هیتی از طرف دولت یعنی در واقع میت در ترکیه و اعضای از رهبران حزب ب.د.پ در ترکیه که متحد پ.ک.ک هستند با اوچالان وارد مذاکره شدند و توافقاتی کردند. در نتیجه این مذاکرات نهایتاً این پیام اوچالان منتشر شد که می بینیم. اینکه کسانی این پروسه را مذاکره نمیدانند بیشتر به شکل فرمال قضیه نگاه میکنند. اما این پروسه ای است که خود اوچالان قبل از این اتفاقات در کنابش بارها بر آن تاکید کرده است. چیزی که تازه است توافق ترکیه است نه خواست پ.ک.ک. چون پ.ک.ک سالها است که چنین پروسه ای را دنبال میکند و همیشه با جواب رد دولت ترکیه مواجه شده بود.

**فسان نودینیان:** فکر کنم در کنگره هشتم پ.ک.ک. بعد از دستگیری اوچالان این بحث راه

نوعی ستم ملی را دولت مرکزی را از کردستان بیرون کرده بود و به یک دستاوردهایی رسیده بود و این مساله تأثیرات خود را داشت. چون داعیه اولیه پ.ک.کاکا رهبری چهارپارچه کردستان بود به طور کلی خودش مثل یک جریان ناسیونالیست که بتواند مسائل سیاسی یا مساله ستم ملی را در هر چهار پارچه کردستان هدایت بکند، تاحدی هم در سوره موفق شد و بعد هم یک حزب مشابه خودش را در سطح کردستان ایران هم درست کرد ولی با پروسه مساله کردستان عراق این مساله یواش یواش به شکست کشیده شد که نتوانست این مساله را بعنوان خط سیاسی پ.ک.ک.کا که بتواند ناسیونالیسم را در قیقه مناطق کردستان ایران عراق و سوریه پیش ببرد در نتیجه این مساله فروکش کرد. از نظر سیاسی خودشان هم به حداقل راضی بودند که با دولت ترکیه هم در داخل به توافق برسند و سر این معرفه ها در تصمیم گیریهای سیاسی شان دخیل بودند.

**فسان نودینیان:**

آسنگران! اگر این سوال را از شما بپرسند که مردم ایران این موقعیتی که الان برای پ.ک.کاکا پیش آمده چه خواصی دارد، شما چه جوابی دارید؟! اگر پرسند این پیام بالاخره به یک دوره طولانی جنگ و جنگ چریکی و اینها پایان میدهد، حدود چهار هزار نفر انسان در این همه درگیری پ.ک.ک.کا و دولت ترکیه از جمله سرباز و مردم عادی در شهرها و روستاها کشته شدند و الان دارند به این وضعیت پایان میدهند کدام استدلال و فاکت قانع کننده را برای کسانی که این سوالها را دارند! دارید؟ چه می گوئید و بطور واقعی این مساله را روشن و ملموس جلوی جامعه میگذارید؟

**محمد آسنگران:**

خوب طبعاً این فاکتورهایی که شما به آن اشاره کردید مهم اند. اما تا آنجایی که به کردستان ایران مربوط است مردم اخبار را تعقیب می کنند. بعنوان تجربه به این تحولات و نتایج آن نگاه می کنند. مردم متوجه این واقعیت میشوند که نقش این جریانها چی هست. از این قضیه ارزیابیهای پیدا می کنند و این ارزیابی در مبارزاتشان و نقش احزاب مشابه

از صفحه ۱ **دریوزگی پژاک...**

اوضاع سیاسی اقتصادی، اجتماعی ایران، بحران و بن بست رژیم اسلامی چگونه ای است که مردم هر لحظه در صدد این هستند شرایطی خلق کنند که بر بستر آن کلیت رژیم را جارو کنند و بساط این حکومت را برچینند. در چنین شرایطی است که پژاک نامه فدایت شوم را با راه حل دمکراتیک از رژیم سر پا جنایت و خونریز طلب می کند. اتخاذ اینگونه سیاستها تنها میتواند نشانه ترس و اهمه از انقلاب و پا به میدان گذاشتن کارگر و زحمتکش و به دست گرفتن پرچم رهبری مبارزات مردم شریف و آزادیخواه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد. جریانانات ناسیونالیست در هیچ شرایطی خواهان انقلاب و خواهان سرنگونی رژیم نبوده اند. نمونه های تاریخی زیاد است. مصالحه و سازش برای سهم شدن در قدرت که برای رسیدن به آن حزب دمکرات زیاد هزینه کرده است. ایستادگی در مقابل حرکتهای اعتراضی مردم علیه رژیم اسلامی را در کارنامه جریانانات ناسیونالیست می توان به وفور دید. از لیبیک گفتن قاسملو و حزب دمکرات کردستان ایران به خمینی در اوایل انقلاب گرفته تا اسکورت ستونهای نظامی رژیم در سنج و مصون داشتن آنها در مقابل خشم مردم انقلابی در سالهای ۵۷ و ۵۸، تا اعتراض مردم در رابطه با دستگیری اوچالان که بهانه ای برای اعتراض به کلیت جمهوری اسلامی بود. از این نمونه ها در کارنامه این جریانانات زیاد هست که به نمونه آخر اکتفا میکنم.

زمانی که عبدالله اوچالان توسط سازمان امنیت ترکیه

\*\*\*

نتایجی که بار می آورد. علاوه بر این پروسه تحولات سیاسی در کردستان ایران جلوتر از بقیه مناطق کرد نشین است. این اتفاقاتی که الان در کردستان ترکیه در جریان است در بعد جنبشی و تحول اجتماعی به نوعی در تاریخ چند دهه قبل کردستان ایران اتفاق افتاده است. به این معنا تحولات

## مذاکره پ. ک. ک و دولت ترکیه...

از صفحه ۲

تحولات امروز کردستان ترکیه مربوط است خوب طبیعا مردم خوشحالند وقتی که جنگ نباشد. مردم بالاخره دوست دارند خواسته های که دارند را مطرح کنند و به شکل متمدنانه پاسخی به آن داده شود. مردم علاقه مند هستند که امکان اعتراض واعتصاب و راه پیمایی داشته باشند و با تفنگ روبرو نشوند. یک چیز اما روشن است که مردم برای خواسته هایشان تلاششان را میکنند. در پس این تحولات جنبشها و گرایشها دیگر در جامعه ترکیه تلاش خواهند کرد که تشکلی درست کنند، حزبی درست کنند و مطالباتشان را پی میگیرند. شاید یکی از اشکال مبارزه مردم این باشد که بیایند درانتخابات شرکت کنند. مردم این تصورات را دارند و طبیعا خوشحال می شوند ازاینکه این جنگ تمام بشود. در عین حال یک چیز آشکار است که عامل اصلی و بانی این همه جنگ و خونریزی دولت ترکیه بوده است. معلوم است که جریان پ. ک. ک.ا به عنوان جریانی ناسیونالیست در این جنگ یک طرف قضیه بوده است و همان هدفی را تعقیب میکند که ناسیونالیستهای ترک برای خود و جنبششان میخواهند. اما عامل اصلی این درگیریها دولت ترکیه بوده است. بنا بر این در ترکیه و عراق و در کردستان ایران و در کردستان سوریه هم اساسا اعمال بی حقوقی و اعمال ستم ملی که دولت های مرکزی علیه مردم کرد زبان این منطقه اعمال کرده اند دلیل اصلی جنگ و خونریزی بوده است. به این معنا اعتراضاتی که در جامعه علیه این بی حقوقی وجود داشته است اعتراضات برحق بوده و هست. در متن این اتفاقات و ستمگری دولتها بوده است که جریانات ناسیونالیستی تلاش کرده اند سوار این اعتراضات بحق مردم شوند. اما نقش جریانات ناسیونالیست کرد عمدتا رواج نفرت قومی بوده است تا طرح و پیگیری سیاستی که به رفع ستم ملی و حل مسئله کرد منجر شود. هدف آنها اساسا سهم شدن خود در قدرت بوده است نه رفع مشکلات مردم تحت

نسبت به احزاب ناسیونالیست کرد بوجود آمد اکنون تمام شده است. که اگریادتان باشد حتی سال ۲۰۰۳ شرایطی فراهم کردند که عکس بوش را در تمامی درو دیوار شهرهای کردستان عراق نسب کرده بودند که این نجات دهنده ملت کرد است. عامل اصلی این سیاست همین بازرانی و طالبانی و ناسیونالیستهای کرد بودند. اتفاقی که در کردستان ترکیه در جریان است، از نظر پ. ک. ک. و اوجلان در بهترین حالت قرار است به اینجا ختم شود که ناسیونالیستهای کرد در ترکیه بتوانند شریک قدرت و حاکمیت بشوند. مردم کردستان ترکیه بعد از سالها توهم به پ. ک. ک. و ناسیونالیسم کرد میبینند که این جریان فقط به دنبال شریک شدن خود در قدرت است. در کردستان عراق امروز حتی جریانات اپوزیسیون ناسیونالیست نمیتوانند وخامت زندگی مردم تحت حاکمیت احزاب حاکم را نادیده بگیرند. نوشیروان مصطفی که شخص دوم اتحادیه میهنی بود و اکنون سهم خود را جدا کرده و در راس جریانی به اسم "گوران" (تغییر) فعالیت میکند، گفته است کردستان به دو طبقه فقیر و ثروتمند تبدیل شده است. این حرفی است که ناسیونالیستها خودشان می زنند. ظاهرا بعد از این همه سال بخشی از ناسیونالیستها هم متوجه شده اند که جامعه به دو طبقه اصلی کارگر و سرمایه دار تقسیم شده است. این طبقه "فقیر" اکثریت قریب به اتفاق مردم هستند و آن طبقه ثروتمند یک بخش کوچک و اقلیتی مفتخور هستند که در آن احزاب مسئولیت دارند و یا شریک آنها هستند. این حرف خودشان می باشد. بحث فساد و بحث دزدی و نقض حقوق مردم حرف خاص و عام آن جامعه است. در آن جامعه چیزی که به اسم "حکومت نویی کرد" معرفی میشد و ظاهرا راستها و بعضی ناسیونال چیپها در سایه آن افتخار میکردند، به یک تجربه شکست سیاسی برای ناسیونالیسم کرد تبدیل شده است. میدانم هنوز این احزاب حکم میرانند و حاکمند، اما از نظر مردم و از لحاظ سیاسی بی اعتبار و شکست خورده هستند. از نظر جامعه میبینید که الان مردم کردستان عراق علیه شان هستند.

## صفحه ۱ مضحکه ای به نام ...

در کشورهای مختلف نیز وجود دارد، بر طرف کردن مشکلات و معضلاتی است که در بخش های مختلف عمرانی، اجرایی، اجتماعی يك شهر و یا چند روستا وجود دارد. البته وظایفی بیشتر از این بر عهده چنین شورا هایی می باشد. خلاصه اینکه این شوراها در جهت منافع و راحتی و آسایش هر چه بیشتر مردم فعالیت می کنند. تا اینجای کار هیچ ایرادی ندارد و خیلی هم خوب است. اما ایراد کار در آنجاست که چنین شورا هایی در دل قوانین و فرامین حکومتی مانند جمهوری اسلامی تشکیل می شود.

حکومتی فاسد و جنایتکار، حکومتی که دستش به خون هزاران هزار انسان در ایران آغشته است، حکومتی که يك لحظه هم به فکر منافع مردم و آسایش آنها نبوده و نیست. در چنین حکومتی نمی توان شورای شهری داشت که بخواهد حتی کوچکترین مشکلات مردم را رفع کند، بلکه خود باری می شود بر دوش مردمی که امروز و در نتیجه ۳۴ سال حکومت مستی جنایتکار جوانانش با بیکاری، اعتیاد و مشکلات عدیده دیگر دست به گریبان هستند. همین امروز که بیشتر شهرهای ایران با مشکل کمبود نان مواجه است این شورا چه اقدامی برای برطرف کردن این مشکل انجام داده؟

با مرور اخبار روزانه، شهر های مختلف ایران، این واقعیت بیشتر عیان می شود که مردم با کوهی از مشکلات دست و پنجه نرم می کنند که جمهوری جنایتکار اسلامی عامل اصلی

در کردستان ترکیه این پروسه تازه دارد شروع می شود. با این پیام اوجلان بنظم مردم و حتی بخشی از صفوف خود پ. ک. ک. این امکان را پیدا می کنند که با تعمق و ارزیابی دیگری نقش ناسیونالیستهای کرد را بررسی کنند. با این تجربه مواجه میشوند که توهم موجود به پ. ک. ک. را کنار بگذارند. به قدرت خودشان اتکا کنند. چشم انتظار کوه و اسلحه

و جامانه و کلاشنیکف و ناسیونالیستها نباشند. اتکا کردن به جنبش های اجتماعی، به جنبشهای انقلابی و شهری و نقش تحول بخش جنبش کارگری در پس این تحولات جایگاه برجسته تری پیدا میکنند. نگاه کنید در تاریخ معاصر کسی اصلا صدای جنبش کارگری را در کردستان ترکیه نمیشنود. انگار نه

## مذاکره پ. ک. ک و دولت ترکیه ...

از صفحه ۳

انگاردان جامعه طبقاتی هست بورژوازی هست، کارگری هست این صدا در زیر سایه جنبش ناسیونالیستی تا کنون خفه شده بود. اما بعد از این تحولات و با این شکستی که راه حل ناسیونالیستی گُرد خورده است بدون هیچ توافقی آمده و گفته اند خلع سلاح می شویم، بدون هیچ توافقی گفته اصلا مبارزه مسلحانه تمام میشود و دوره اش تمام شده است و... همین رویداد نشان میدهد که ناسیونالیستها تا کنون بدون کسب هیچ امتیازی تنها شکل مبارزه ای که به آن افتخار میکردند (مبارزه مسلحانه) کنار میگزارند. این یعنی شکست راه حل ناسیونالیستی که تا کنون پ.ک.ک دنبال آن بود. حالا ممکن است بعدا حاکمان ترکیه امتیازی به آنها بدهند. اما آن چیزی نخواهد بود که پ.ک.ک به عنوان استراتژی برای خود تعریف کرده بود. ممکن است بالاخره با یک حداقل هایی اینها را وارد پارلمان و سیستم دموکراسی نوع ترکیه ای بکنند.

اما این شکست آنها در مقابل دولت ترکیه نتایج دیگری هم خواهد داشت. با کنار رفتن جنگ و جدال دو جبهه ناسیونالیستی ترک و کرد، جامعه ساکت نخواهد ماند. جامعه و جنبشهای اعتراضی برای رسیدن به مطالبات خود وارد کشمکش جدیت و پایه ای تری با حاکمان خواهد شد. بروز و عروج جنبشهای اجتماعی و انقلابی یکی از پیامدهای این تحولات است. مردم با این تجربه به راه حلهای دیگری متوسل خواهند شد. در دنیای مدرن امروز مردم به جنبشهای اجتماعی و شهری بیشتری اتکا خواهند کرد. اساس تحول سیاسی اینجاست. بنظر من امکان طرح خواسته های رادیکال، انسانی و برابری طلبانه برای آن جامعه بیشتر فراهم میشود

## نسان نودینیان: حیدر گویلی!

فکر میکنید موانع سرانجام رساندن این پروسه چیست؟ فاکتورهای سرانجام رساندن و یا شکستش را چگونه ببینید؟! پ.ک.ک، پیام را تایید و حمایت کرده است. اما آیا جناح و شاخه هایی در پ. ک. ک هستند که این پروسه را مسدود

کنند؟ اصلا آیا دولت و بورژوازی در ترکیه موانعی ایجاد میکنند؟ البته هنوز نیروهای نظامی دولت ترکیه ارتش در مناطق استراتژیک در شهر و روستاها مستقر هستند. از هیچ جایی عقب نشینی نکرده اند. محمد آسنگران به نظرم به نکته مهمی اشاره کرد بالاخره ما خودمان تجربه ای که سی سال گذشته داشتیم در کردستان ایران هر دوره ای که پیش می آمد ما با جمهوری اسلامی مذاکره بکنیم اولاً کل مذاکرات علنی بود و مردم از مفاد این مذاکرات مطلع بودند مثلاً میگفتیم با جمهوری اسلامی ایران م مذاکره میکنیم آن دوره واسرایی که ما (کومله) داشت با سربازها و افراد جمهوری اسلامی رد و بدل میشدند. این مذاکرات و توافقات انجام شده روشن بود و علنی بود. به جامعه اعلام می شد. این پروسه هنوز با این فاکتورها شروع نشده. در عرف دیپلماتیک یا در عرف مذاکره. فکرمی کنی با وجود تمام این سایه روشن ها این پروسه به سرانجام خود می رسد، مسدود نمیشود. و یا در یک جایی کسی مانع نمیشود. از هر دو طرف؟

## حیدر گویلی: تا آنجائی که به

حل این مساله برمیگردد ممکن است به مانعی برخورد کنند. حالا این موانع چیست من نمیدانم ولی اساس مساله من فکر میکنم به بن بست برسد یعنی به شکست کشیده شونده این معنا میگویم. یعنی جنگ تمام عیار بین دولت مرکزی و پ.ک.ک. شروع بشود، من فکر نمیکنم این مساله به این وضعیت برگردد این وضعیت به هر صورت به نتیجه برسد. این جنگ تمام عیار در کردستان به افول کشیده شده و به نظرم در نهایت خودش تمام می شود. اصلا حالا به خواستها و نتیجه خود برسند یا نرسند پ.ک.ک این سیاست در کردستان ترکیه و بطور کلی سیاست مبارزه مسلحانه در ترکیه به شکست کشیده شده و شکستش به این شکل شروع می شود که خودشان دارند به احزاب داخل کردستان ترکیه مثل پ.د.پ و اینها دارند شروع می کنند به فعالیت در زمینه رفع ستم ملی

و خواسته هایی که خودشان دارند. به این دلیل این روندی هست که شروع شده و به اینجا رسیده است. منتهی در این روند دولت ترکیه که الان حزب توسعه سرکار است و اساسا این قدرت را در دست دارد و دارند این پروسه را با کمترین امتیاز دادن به پیش می برد و نمی خواهد این مساله برگردد به دوره جنگ تمام عیار. به این دلیل میلیاردها دلار در سال اینها خرج این مساله میکنند و حالا آمده اند و سبک و سنگین می کنند دیگر این پول و این سرمایه ای که صرف این جنگ میشود نصفش را بپوشش میزنند و میتوانند برای خود بردارند و کردستان را در کنترل داشته باشند. نیروی مسلحی هم در کار نباشد اینها خواستار این مساله هستند که کمترین امتیازی به مردم کردستان داده باشند. این مساله برگشت پذیر نیست و ممکن است در جریان پ.ک.ک. ک کسانی باشند که مخالف باشند منتها جریانی که در این سی سال در کردستان ترکیه برای نفوذ سیاسی و نفوذ اجتماعی بوده نمیتوانند هیچ جریان مخالف این مساله این اوضاعی که در کردستان ترکیه الان مثلا میتوانند پانصد هزار نفر را در جامعه بدنبال خود بیاورند و این جریانی که بخواهد خلاف این مساله حرکت بکند فکر نکنم بتواند پایگاه اجتماعی وسیعی داشته باشد و برای مدت کوتاهی به شکست فجیعی میرسد. از نظر نظامی نمیتواند خودش را نگه دارد چون اساسا این پروسه بر سر ستمهای بسیار سنگینی که بر مردم کردستان بود و توانست از این نظر جایگاه پایگاه اجتماعی خودش را پیدا بکند، این مساله نمیتواند مانعی برای بازگشتن برای جنگ تمام عیار باشد.

## نسان نودینیان: بالاخره نزدیک

به چهارده است جنگ و درگیری در مناطق کردستان ترکیه جریان دارد. ارتش ترکیه تاریخا در سرکوب در کردستان ترکیه در جبهه اول بوده. در این اوضاع به نظر شما تکلیف لایبستی ارتش که جریان با قدرت هم است چی میشود؟ ارتش ترکیه بالاخره یک لایبستی قوی دارد و نمیخواهد براضی این پروسه پیش برود. در ارتش ترکیه ژنرال هایی هستند که "کمال ایست" هستند. افکار و آرا این ها در مکنیزم تصمیم

گیری و مساله کرد در ترکیه عمل می کند، فکرمی کنید اردوغان قدرت خنثی کردن لایبستی ارتش و موانع آنها را دارد؟

## محمد آسنگران: بنظر من

موقعیت اردوغان الان در تاریخ همین چند ساله ای که در قدرت بوده نشان داده تا حدودی ارتش را مهار کرده است. این نیاز بورژوازی ترکیه است و ارتش این نیاز را میبیند. این جریان اسلامی در قدرت نشان داده است که دو کار مهم در جهت منافع دراز مدت تر بورژوازی ترکیه را بهتر از هر جریانی نمایندگی کرده است. یکی اینکه ارتش را به درجات زیادی مهار کرده است. برخلاف تمام تاریخ دوران کمالیزم و بعد از او بخش زیادی از سران ارتش که با جهت دولت همخوان نبودند را باز نشسته، زندانی و یا از کار برکنار کرده است. بخاطر اینکه گفته بخشی از اینها دارند کودتا میکنند. متهم شدند به کودتا و تعداد زیادی را باز نشسته کرد، و تعداد زیادی را هم مطیع خودش کرده است. این اتفاق مهمی بود در طول تاریخ ترکیه این یک مساله خارج از نرم بود. مساله دیگر اینکه از لحاظ اقتصادی بالاخره یک الگویی را نشان داد که این جریان الان مدعی است که موفق بوده است. و واقعا هم موفق بوده، اقتصاد بورژوازی ترکیه هیچ وقت اینقدر باثبات نبوده است. لاقبل در این سالهای اخیر بازار و ارزش پول ترکیه یک ثبات نسبی پیدا کرده است. علاوه بر این از لحاظ سیاسی موفقیت هایی به دست آورده است و الگویی از حکومت را نشان داده است که هم اسلامی است و هم متحد غرب است. مرز خودش را با جریانات شاخص تروریست اسلامی نشان داده است. این سیستم مورد قبول غرب هم هست. دولتهای غربی به نوعی سعی میکنند این الگو را تقویت کرده و در مصر و تونس و حتی فردا در سوریه و جاهای دیگر این نوع جریانات را متحد خود میدانند.

حماس که سالهای سال متحد نزدیک جمهوری اسلامی بود، اخیرا اعلام کرده است که الگوی مورد نظرش ترکیه است نه جمهوری اسلامی. خوب این مولفه ها در ذهن بورژوازی ترکیه و به درجاتی حتی بورژوازی جهانی و به این معنا

در افکار عمومی امتیازات مهمی برای حاکمان فعلی ترکیه است.

منتهی دولت اسلامی ترکیه در مسیر پیش بردن سیاست خود در رابطه با پ.ک.ک با دو تا مانع فعلا روبروست. یک مانع کمالیستها است با وجود اینکه به نسبت تاریخ حاکمیتشان تضعیف شده اند اما اینها هنوز نفوذ زیادی دارند. میتوانند در مقطعی این پروسه را دچار مشکل کنند و مانع اجرای سیاست دولت اسلامی فعلی در ترکیه بشوند. مخصوصا در ارتش هنوز نفوذ دارند.

مانع دوم جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی اگر چه در موقعیت بدی است و زیاد نمیتواند اعمال نفوذ کند ولی تلاش میکند از طریق جریانات نزدیک به خود در این مسیر با تضعیف ترکیه فشار را از روی بشار اسد کم کند.

نکته دیگر که بنظر خیلی ظریف است و باید به آن اشاره کنم، در جریان مراسم نوروزی که پیام اوجالان خوانده شد، تعدادی میگویند پانصد هزار تعدادی هم میگویند حدود یک میلیون در این تجمع شرکت کردند. به نظر من این قدرت نمائی طرفداران اوجالان بیش از اینکه در مقابل دولت ترکیه باشد، قدرت نمائی در مقابل مخالفین احتمالی اوجالان در پ.ک.ک. ک بود. اوجالان میخواست با این قدرت نمایی روند سازش با ترکیه را تثبیت و بدون برگشت کند. اتفاقا دولت ترکیه هم این را میدانست به همین دلیل شرایط مناسبی را فراهم کرد که این جمعیت گرد آید. امکانات لازم را برایش فراهم کرد و مجموعا دو طرف یک شرایط را فراهم کردند که این روند را بدون برگشت کنند. مردم ترکیه و کردستان ترکیه هم طرفدار این هستند که جنگ تمام بشود. اکنون قرار است ارتش ترکیه گذرگاه ها را خالی کند و پ.ک.ک هم به شمال عراق برود. همانطوری که اوجالان گفته و فرموله کرده است.

در مقابل این روند یکی از ناسیونالیستهای ناراضی کرد گفته است: "حرفهای اردوغان از زبان اوجالان جاری شده است." این قدرت نمائی و تجمع وسیع مردم در دیاربکر درست است که یک وسیله امتیازگیری ناسیونالیسم کرد

## مذاکره پ. ک. ک و دولت ترکیه ...

از صفحه ۴

درمقابل دولت ترکیه هم هست و وزن ناسیونالیسم کرد را نشان میدهد. ولی درعین حال به نظرم نوک تیزقضیه وخیلی ظریف این بود که مخالفین احتمالی اگر درصاف پ. ک. ک و دولت ترکیه وجود داشته باشند متوجه بشوند که اینها قدرت و نفوذ دارند. خود اوجالان خیلی دقیق در نامه اش تاکید کرده و نوشته است کسانی که می آیند و از این پیام حمایت می کنند دوست دارم این جهت را تقویت کنند و کوتاه نیایند.

ناسیونالیست ها و حتی برخی چپ های متوهم فکرمی کنند آن جمعیت که آمدند آنجا جمعیتی هستند که فقط ناسیونالیسم کرد را تقویت می کنند و گویا پ. ک. ک اگر دقیق عمل کند میتواند امتیاز بیشتری بگیرد. متوجه نیستند که این اقدام اساسا قدرت نمائی درمقابل مخالفین این خط اوجالان و دولت ترکیه بود. علاوه براین مذاکره ای که اتفاق افتاده است خیلی عجیب غریب هست یعنی نمونه اش در تاریخ خیلی استثنائی است. روال معمول اینطوری نیست. دولت ترکیه اگر می نشست با رهبری پ. ک. ک وارد مذاکره می شد باید به یک توافقاتی می رسیدند. قاعدتا باید طرفین امتیازی میدادند و امتیازی میگرفتند. این روال عادی تر و معمولی تری بود. اما دولت ترکیه با کسی که در زندان است و اسیر دولت است، می آید و با او مذاکره می کند.

رهبری رسمی پ. ک. ک ی که درحال جنگ است خبر ندارد در زندان این مذاکرات دقیقا چگونه پیش می رود. بعد از اینکه در زندان دولت ترکیه تصمیم گرفته میشود طی نامه ای از زبان اوجالان اعلام میشود. در پایان این پروسه تازه رهبری پ. ک. ک هم خبردار میشود. میدانم آنها رابطه نزدیکی با پ. د. پ دارند و پ. د. پ هم نوعی سفیر پ. ک. ک است و آنها در جریان مذاکرات هستند. اما حتی همین هم معلوم نیست در چه پروسه ای آنها میتوانند دخالت کنند. ولی در اصل طرف مذاکره خود پ. ک. ک نبوده است. طرف مذاکره اوجالان بوده و این درعرف دیپلماسی تحقیر

پ. ک. ک. محسوب میشود. ناسیونالیستها نمیخواهند این را زیاد برجسته کنند. منتهی این واقعیت را نمیشود از مردم پنهان کرد که پروسه مذاکره چگونه پیش رفته است.

**نشان نودینیان:** یک نکته دیگر به نظر من مهمه است. پیام اوجالان و محور قرار گرفتن این پیام درشرایطی اتفاق می افتد که یک بخشی از مناطق شمال عراق حاکمیت دولت کردها یا هریمی کردستان وجود دارد. تعدادی از رهبری احزاب کردی از جمله مسعود بارزانی از بدو شروع اعتراضاتی که درسوریه شروع شده دخالت می کنند. انواع و اقسام کنفرانس و جلسه در مناطق کردستان و با همکاری دولت ترکیه برگزار کرده اند. نیروهای کرد مستقر درسوریه را جمع می کنند کنفرانس می گیرند و درهمین رابطه مسعود بارزانی هم دخالت مستقیم کرد و مسئولیت انتقال نیروهای گریلائی پ. ک. ک را از کوه های قندیل به عهده گرفته تا درعراق مستقر کند و گروهی فکرکنم سه چهار روز قبل به کردستان عراق منتقل شده اند. یک بوجون پراگماتیک در جامعه و مردم عادی هم وجود دارد، میگویند؛ آیا اوجالان می تواند در آینده یا همین الان بعنوان رهبر بلامنازع این جنبش ناسیونالیستی باشد و مسعودبارزانی و جلال طالبانی و این تیپ آدمها را کنار بزند؟

**محمد آسگران:** به نظر من جواب خیلی ساده است این یک توهم بیش نیست. اوجالان نمیتواند چنین موقعیتی در میان ناسیونالیستهای کرد پیدا کند. این درست است به دلیل پیام اخیرش هم ناسیونالیستهای دولتهای غربی و اردوغان و... از سیاست سازش اوجالان با دولت ترکیه استقبال کردند، ولی همین اقدام پروسه شروع افول پ. ک. ک و ناسیونالیسم کرد در کردستان ترکیه است. اوجالان قبل از هم این پروسه افول را آغاز کرده است. درعین حال امکانات و شرایطی که احزاب حاکم کرد در کردستان عراق دارند خیلی باثبات

تر و عمومی تر به نسبت وضعیت اوجالان و پ. ک. ک میباشد. دولت ترکیه عضوی از ناتو و متحدغرب است. یک ارتش تا دندان مسلح دارد و کمترین امتیاز را به پ. ک. ک می دهد. درعراق یک دولت در بغداد حاکم است که رقیب بارزانی و طالبانی است نه حاکم بر آنها. بویژه اکنون دولت عراق درضعیف ترین حالت خودش می باشد. معلوم نیست امروز و فردا سرنگون نشود. می خواهم بگویم این فاکتورها موقعیت هایی متفاوتی را فراهم می کنند. درنهایت این پروسه مذاکره، اوجالان و دولت ترکیه اگر به نتیجه و به سرانجام هم برسند در بهترین حالت اوجالان را آزاد می کنند و دریک جایی تحت نظرش قرارخواهند داد. در چنین شرایطی بعنوان شیخ بخشی از ناسیونالیست های کرد نه همه آنها در ترکیه میتواند باشد.

**نشان نودینیان:** فکر میکنی رونداوضاع به قول شما که می گفتی مدنیت جامعه در کردستان به یک سمت دیگری رود چی می شود، مشخصا؛ جنبش کارگری، جنبش آزادی خواهی، مساله زنان. چه اتفاقی می افتد؟

**حیدر گولسی:** ببینید اگر به مساله نگاه کنید طرف این سی سال گذشته بطورکلی جامعه ترکیه دربخش ترک نشینش مبارزه نرمال را می بینیم. می توانیم اعتصاب کارگران را ببینیم، می توانیم مبارزه زنان را ببینیم، می توانیم شلوغ ترین اول ماه مه های تمام اروپا و دنیا را ببینیم. درگیری های وسیع بین پلیس و کارگرانی که برای اول ماه مه می آمدند ولی این را وقتی در کردستان با پرچم پ. ک. ک. و عبدالله اوجالان می دیدیم. یعنی روزاول ماه مه که روز کارگران است بطورکلی تبذیل می شود به روزخاص ناسیونالیستی، روزخاص رفع ستم ملی در کردستان. اولین نفعی که این مساله دارد این است که از این به بعد فکرکنم دراولین فرصت درسالهای آینده جنبش کارگری در کردستان ترکیه هم جنبش زنان، جنبش برابری طلبانه و جنبش های نرمال اجتماعی طبقات پائین دست خودشان را نشان خواهند داد. مثل آنکارا، مثل استانبول و این

مانعی که تا حالا داشتند این مانع بتدریج می تواند رفع شود و اوضاع به آن طرف خواهدرفت. حالا چقدر این خواستها برآورده شود من بحثم این نیست، بحثم این است که این مانع دارد با حداقل امتیازاتی که به پ. ک. ک می دهد از نظرسیاسی اینها رابه شکست کشانده اند. مبارزه مسلحانه پ. ک. ک. را در کردستان ترکیه باکمترین امتیازیه شکست کشانده اند نمی شد بعد از سی سال، چهل هزار نفر خونریزی در کردستان ترکیه از ترک و سربازترک، زحمت کش کرد و از نیروی مسلح پ. ک. ک. و از همه اینها کشته شده بعد مثل چریکهای تامیل به سرانجامش رساند، نمی شد بالاخره یک جریان دیگر درست می شد چون درخاورمیانه مساله کرد مساله ای است که درهرچهارکشور هم نیروی فعال خودش را دارد. ناسیونالیستها در میدان هستند بطورکلی این مساله را می شد باکمترین امتیاز و درحدی که رهبری مثل عبدالله اوجالان که هنوز اتوریته است، اتوریته سیاسی اتوریته معنوی خودش را دارد و ممکن است در پ. ک. ک. هم مخالفان خودش را داشته باشد. کسی نمی تواند این را انکار کند. ممکن است جناحی، اقلیتی در پ. ک. ک. مخالف سیاستهای عبدالله اوجالان باشند و این مساله این است همچنان که محمد آسگران گفت آوردن به میدان توده های وسیع مردم در کردستان ترکیه به این دلیل است که بالاخره مخالفین نظرات عبدالله اوجالان را به شکست بکشاند یعنی با تمکین به این پروسه که خودشان اسمش را گذاشته اند صلح و مذاکره با دولت ترکیه زیر این سیطره بیاورند مساله این است. میگویند اولین شرط برای مذاکره بین دولت ترکیه و پ. ک. ک. بایستی عبدالله اوجالان را آزاد می کردند و بصورت علنی این مذاکره را شروع می کردند ولی مساله این است اگر پروسه عبدالله اوجالان را از نظرسیاسی ببینی چیزهایی که بیرون داده بطورکلی و ازقبل شروع کرده، مرتب داشته اینها را از نظرسیاسی از نظر تئوریک مناسب کرده برای صلح و برای بدست آوردن کمترین امتیازات. من فکرکنم از نظر فشار دولت ترکیه به این نتیجه رسید عبدالله اوجالان سیاستی که شروع کرده نتیجه نهایی این بود

است به نظر من اگر در زندان هم نبود یعنی نظر من این است عبدالله اوجالان هم در زندان نبود با آن سیاستی که پروسه در آن دوره شروع شده بود در سال ۱۹۸۳ به بعد تا الان اگر نگاه کنی از نظر سیاسی مرتب خواسته هایش را آورده پائین. ناسیونالیسم وقتی صاحب یک جنبش شود و جنبشی را برپا می کند برای رفع ستم ملی. هدفش این است که خودش بتواند در قدرت شریک باشد اگر بحث این هست و درست و اصولی است باکمترین امتیاز همان وقت به آن جایگاه برسد برایش مهم نیست توده مردمی که دنبال این ناسیونالیسم راه افتاده اند به خواستهایشان برسند یا نرسند و کمترین خواسته آنهاست. بعنوان نمونه چهل هزار کشته درمقابل به رسمیت شناختن مردم کرد در کردستان ترکیه است تا این حد که بتوانند با زبان کردی صحبت کنند. حال مساله کارگر چطور حل می شود، مساله نابرابری زن، مساله فقر، مساله ظلم، مساله به اصطلاح آزادی تشکل و آزادی بیان مردم چطور حل می شود سفره مردم آیا رنگین می شود یا رنگین نمی شود، این الان مشخص است. مساله این است که اینها به زبان کردی می توانند صحبت کنند الان، این آخرین تلاشی است که اینها دارند می کنند تا این راتصوب بکنند.

**نشان نودینیان:** آیا این فاکتورها که شما به آن اشاره کردید سبب رفع ستم ملی می شود. چون بالاخره ما جنبه های مختلف این پروسه را تعریف کردیم فاکتورها را دخیل هستند در این پروسه بحث شد و یک نکته می ماند البته یکی از نکات بالاخره این پیام و این دوره ای که شما می گویند عبدالله اوجالان قبل از دستگیری اش مرتباً آمده و شروع به نوشتن و تحقیق کرده و می خواهد به این شکل به مساله مبارزه مسلحانه البته از منظر عبدالله اوجالان به مساله رفع ستم ملی پایان بدهد. آیا این می تواند به طور واقعی ستم ملی را کاهش دهد و یا رفع بکند؟

**محمد آسگران:** ببینید، وجود ستم ملی یعنی اعلام نابرابری

## مذاکره پ. ک. ک و دولت ترکیه...

از صفحه 5

قانونی بین بخش هایی از مردم يك کشور، برای مثال در کردستان ترکیه مردم از حقوق برابری با دیگر شهروندان ترکیه برخوردار نیستند. به کردستان عراق نگاه کنید اکنون در کردستان عراق ستم ملی وجود ندارد. به دلیل اینکه دولت مرکزی توان اعمال ستم ملی را ندارد. در کردستان ترکیه به نظرم ممکن است دولت ترکیه برای اینکه بتواند عضوی از اروپای واحد بشود و به دلیل اینکه در منطقه می خواهد قدرت اول منطقه خاورمیانه بشود، در این مسیر ممکن است این امتیاز را بدهد و حقوق شهروندان را برابر اعلام کند. این بعید نیست که قانونا شهروندان ترکیه را متساوی الحقوق اعلام کنند. من نمی گویم که قطعاً این اتفاق می افتد ولی چنین اتفاقی دور از ذهن نیست. چنین شرایطی اگر پیش بیاید زخم دیرینه ای که همیشه ناسیونالیست های دوطرف از آن تغذیه کرده اند برطرف می شود. آنوقت تازه جامعه به يك جامعه نرمال تر تبدیل میشود. با این حال این پروسه مساله کرد را حل نمی کند.

**نسان نودینیان:** به "مساله کرد" میپردازیم، به نظرم يك نکته دیگر اینجا مطرح است در رابطه با ترکیه و مساله این هست که می گویند اردوغان مثلاً از پارسال یا دو سال گذشته بصورت استراتژیک برخورد کرده و می خواهد تغییراتی در قانون اساسی ترکیه ایجاد بکند، آیا این پیام و این موقعیتی که به اصطلاح پ. ک. ک. پیدا کرده یا کل جامعه در کردستان ترکیه پیدا کرده و موقعیت جدیدی که در مقابل با دولت مرکزی دارد، می تواند حقوق شهروندی یا بخش اساسی حقوق متساوی شهروندی را در قانون اساسی به يك جایی برساند؟!

### محمد آسنگران: این نکته

ظرفی است به نظرم هم ژورنالیستها، هم راست ها هم چپ ها کم ترین توجه به آن دارند. آن هم این است که اردوغان اهدافی فراتر از پروبلماتیک کرد را دنبال میکنند. به نظرم احتمال اینکه اعلام کند شهروندان ترکیه حقوق برابر دارند

ممکن است. ولی در کنار آن يك چیز دیگری می خواهد به مردم تحمیل کند. جریان اسلامی حاکم در ترکیه می خواهد قوانین اسلامی در آن کشور را قدم به قدم اجرا کند. کند. همین امروز من يك خبری شنیدم تا کنون طبق قوانین دولت ترکیه وکلای زن با روسری و حجاب نمی توانستند در دادگاه حضور پیدا کنند. اخیراً دادگاه بالائی ترکیه اعلام کرد از این به بعد وکلای زن با روسری و حجاب می توانند حضور داشته باشند. می خواهم بگویم که قوانین اسلامی را در این پروسه هم می خواهند گسترش بدهند. منطقاً می شود گفت بورژوازی ترك به خاطر اهداف دراز مدت تر (عضو در اتحادیه اروپا و قدرت اول شدن در منطقه) می خواهد جریان اسلامی را به جریانی پایدار در حاکمیت ترکیه تبدیل بکند. در همین راستا می خواهند قوانین را به نفع اسلامیها تغییر بدهند.

این به نفع جریانات اسلامی حاکم در ترکیه است که امتیازی به پ. ک. ک. بدهد. آنها را مطیع خودش کند. شریکی که مطیع دولت اسلامی در ترکیه باشد. خود پ. ک. ک. را هم اگر نگاه بکنیم اوجالان در پیام خودش به نقش اسلام اشاره کرده و آنرا مثبت ارزیابی کرده است. اوجالان به برادری و برابری وهم زیستی مردم مسلمان کرد و ترك در ترکیه تاکید کرده است. در صورتی که این نه واقعی است نه تاریخی و نه هیچ حقیقتی در آن نهفته است. اسلام همیشه مایه تفرقه بوده و همیشه مایه جنگ و جدال و خونریزی در آن جامعه بوده است. تمام تاریخ عثمانی ها این را نشان میدهد. نقش جمهوری اسلامی و جریانات تروریست القاعده و غیره و غیره... هم آشکار است. می خواهم این راتاکید کنم که حتی این گفته اوجالان هم ضد تاریخی و ضد حقیقت است.

من شنیده ام بعضی از چپ های ایرانی گفته اند از پیام اوجالان استقبال می کنند!؟ من نمی دانم اینها کدام گفته اوجالان را به نفع مردم میدانند که از آن استقبال کرده اند. میدانم که دولتها و بقیه ناسیونالیستهای کرد از پیام اوجالان استقبال کرده اند. برای اینها قابل

فهم است که چرا استقبال میکنند. اما برای کسی که خود را چپ معرفی میکند من نمیدانم از چه چیزی استقبال میکنند. در خوش بینانه ترین حالت باید گفت این نوع چپ هنوز نفهمیده چه اتفاقی در جریان است. اما آنچه عیان است به نظر من شکست راه حل ناسیونالیستی در کردستان است. این شکست بالاخره يك فضایی ایجاد میکند که جریانات انقلابی در کردستان ترکیه رو بیایند. اگر این نوع چپ میگفت خوشحال است که راه حل ناسیونالیستها شکست خورده است باز هم قابل توضیح بود. ببینید وقتی راه حل و سیاست مخالف سیاسی شما شکست می خورد شما باید تبیین و تحلیل ات را بگویید و به مردم نشان بدهید که چه اتفاقی افتاده و مردم چکار باید بکنند.

### نسان نودینیان: شرایط کنونی

(با شروع اعلام پیام اوجالان) به نظرم سرآغاز يك دوره ای است. جنگ و دعوا و خونریزی و این نوع مبارزه ای که پ. ک. ک. وارث ترکیه انجام داده اند تمام میشود، این خود به نفع بشریت و جامعه است. و البته از این زاویه مردم شهرهای کردستان در کشورهای ایران، عراق و ترکیه هم این اوضاع جدید استقبال میکنند. اما مساله و سوال این است که هنوز بصورت مشخص در مورد حقوق شهروندی، رفع ستم ملی، بحث نشده. نکات نا روشن زیاد است! اما با وجود این ها، به نظرم سرآغاز يك دوره ای است. که جامعه نگاه می کند از چپ و راستش، آنجا دیگر تفنگ و مبارزه مسلحانه حرف آخر را نمی زند و می تواند جامعه و شهروندان به شکل مدنی و شهری ابراز وجود کند. نمونه شهر دیاربکر که میلیونی می آیند و چندماه قبل هم آمدند و در دفاع از زندانیان سیاسی بغیابانها آمدند واقعا کل دنیا را به لرزه درآوردند، دولت اردوغان را مجبور کردند سکوتش را بشکنند تحت این شرایط است این عرصه مبارزه شهری بازمی شود. این سرآغاز آن دوره است!.

### محمد آسنگران: این يك تحول

و آغاز يك پروسه است. من قبلاً هم گفتم این اعلام رسمی شکست راه حل ناسیونالیسم کرد است. این

شکست پیامدهایی دارد. یکی از پیامدهایش این است که میدان برای جنبش های اجتماعی، جنبش های رادیکال و غیره... بازمی شود. ولی قبل از هر اتفاقی باید اول حقیقت را گفت. اینکه خیلی خوب است و کسانی از این نامه اوجالان استقبال میکنند یعنی اینکه کار مثبتی کرده است. کار قابل دفاعی کرده است. من اتفاقاً به جنبش کمونیستی، به جنبش کارگری، به جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در آن جامعه می خواهم بگویم که تهمی به ناسیونالیسم کرد نباید داشته باشند. حتی آن چند صد هزار نفری که در دیاربکر به خیابان آوردند قدرت نمائی در مقابل مخالفین خودشان بود.

### نسان نودینیان: متاسفانه سه

دقیقه وقت داریم. لطفاً شما حیدرگویی يك دقیقه ونیم صحبت بکنی و نظر خودتان را بیان کنی!

### حیدر گویی: من فقط این

توضیح را بدهم که آیا این باعث رفع ستم ملی می شود یا نمی شود؟ اگر ما به این اعتقاد داشته باشیم که ناسیونالیسم کرد نمی تواند این مساله ملی را حل کند این باعث رفع ستم ملی به این عنوان نمی شود ولی اینکه رفع ستم ملی را از تخاصم و از جنگ و جدال بین دو جریانی ناسیونالیست که یکی از آنها می خواهد برای رفع ستم ملی به این سطح کشیده شود به این عنوان بلی، جنگ نیست سراین مساله که ما به زبان کردی صحبت بکنیم یا نکنیم، جنگ شروع نمی شود که در مدرسه درس کردی تدریس شود یا درس ترکی، جنگ سراین نمی شود که در پارلمان مثلاً یکی بلند شود و با زبان کردی صحبت کند بعد برایش زندان در نظر بگیرند، از این نظراین ستم تا این حد پائین آمده یعنی به حالتی درآمده که جنگ و جدال بر سر این مسئله در جامعه نیست به این عنوان اگر این ستم رفع می شود؟ نه، این ستم تا سرمایه داری در جامعه وجود داشته باشد وجود خواهد داشت همچنان که این ستم بر زنان وجود دارد و بر قشر پائین جامعه وجود دارد این ستم ملی همراه آنها عمل می کند. تازمانی که سود در سرمایه وجود داشته باشد و این ستم را هم

می شود در جامعه سرمایه داری حل کرد به این عنوان که خواسته هایش را برآورده بکنند این هنوز در ترکیه اعلام شهروندی برابری این اعتبار که بتواند از تمام امکاناتی که در آن جامعه که برای بقیه شهروندان دیگر هست برای این شهروند هم وجود داشته باشد در ترکیه هنوز این نیست به این اعتبار مساله این است که اگر در مجلس يك نماینده بلند شود به زبان کردی صحبت کند بلافاصله چندین سال بخاطر کردی صحبت کردنش از تریبون مجلس به زندان کشیده شود. به این اعتبار می تواند فردا اینطور نباشد اما من نمی دانم چطوری این مساله پایان پذیر است. هنوز مشخص نیست هنوز این پروسه طولانی است به نظرم و ممکن است بعد از این دولت هایی سرکاری بیایند بعد از حزب عدالت و توسعه سیاست شان عوض شود، مساله این است که این پروسه دیگر بر نمی گردد. بحث این است این پروسه بر نمی گردد به شروع مجدد دوباره جنگ تمام عیار. به نظرم این پروسه شروع شده و در هر چهار بخش کردستان مبارزه مسلحانه رویه افول است و ناسونالیسم بر سر مساله ملی در این راه تلاش خواهند کرد جنبش های جدیدی راه بیاندازند که در کل نمی توانند راه هم راه بیاندازند مساله این است.

### نسان نودینیان: بحث های

زیادی در این باره وجود دارد و من فکر کنم وقت ما در اینجا تمام شد. ما باید ادامه دهیم و راه حل های متفاوتی در مورد مساله کرد در ایران، عراق، ترکیه و حالا فعلاً که سرنوشت سوریه کلاً نا روشن است بحث بکنیم. یا همان راه حلی که حیدرگفت در مورد ستم ملی، فاکتورهای چیست! و يك نکته دیگر هم خیلی مهم بود و در صحبتها بطور کافی مورد اشاره قرار نگرفت، این است که ماباخره این بحث را خطاب به يك تعدادی که در ایران درگیر این مساله و دخیل هستند در این مساله و بازتاب سیاسی و قدرتمندی جنبش خودمان، جنبش کمونیسم کارگری و طبقه کارگر. قطعاً می بایستی یکی از فاکتورها بود و نتیجه این بحث ها بالاخره در کردستان ایران خیلی متفاوت است با جاهای دیگر کردستان



## نگاه هفته

از صفحه ۱

قرار گرفته است. امر پرولتاریای صنعتی و مزدبگیران میلیونی جامعه آماده شدن و دخالت در تحولات احتمالی است.

### کارگران آخرین خبر از وضعیت فعال کارگری جلیل محمدی

بنا به گزارش دریافتی، با گذشت بیش از یک ماه از بازداشت جلیل محمدی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی خانواده و دوستان نامبرده هنوز از وضعیت وی و مدت بازداشتش بی‌خبرند. علیرغم اینکه روز جمعه دهم خردادماه از سوی اداره اطلاعات سنندج، به خانواده جلیل محمدی اطلاع داده شده بود که روز شنبه جلیل با خانواده‌اش تماس تلفنی خواهد گرفت و از وضعیت خودش آنها را مطلع خواهد کرد، ولی روز شنبه نه تنها از تماس تلفنی جلیل خبری نبود، بلکه مادر وی نیز که به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج مراجعه کرده بود، با جواب سریالی مامورین مواجه شده و به وی گفته بودند که هنوز پرونده جلیل تکمیل نشده و فعلا با او کار داریم، چون جلیل به تماسهای ما جواب نداده است و می‌بایست پس از آزادی از کرج خودش را به ما معرفی می‌کرد، ولی اینکار را نکرده است؛ همچنین در مراسم اول ماه مه و دیگر مراسمها شرکت داشته است. در طول مدتی که جلیل محمدی در بازداشت اداره اطلاعات به سر می‌برد، تنها ۲ بار تماس تلفنی کوتاهی با خانواده‌اش داشته است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن محکوم نمودن تداوم بازداشت جلیل محمدی به اتهامات واهی، خواهان آزادی فوری و بی‌قید شرط وی و دیگر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری-۱۴ خرداد ۱۳۹۲

### اعتصاب کارگران شرکت سانا در سد داریان

۱۲ خرداد: کارگران شرکت "سانا" در شهرستان پناه علی‌رغم تهدید کارفرما، به دلیل تأخیر ۵ ماهه دستمزدشان، تجمعی اعتراضی برگزار کردند. بنابه همین گزارش، کلبه کارگران شرکت "سانا" در نیروگاه برقی سد "داریان" از توابع

مقابل هم قرار داده است. جنبش کارگری و کارگران در کشورهای مختلف در اعتراض دائمی و مداوم هستند. جدال رادیکالیسم انقلابی و تلاش برای زندگی بهتر و دفاع از کرامت و حرمت میلیاردها نفر از ساکنین در مقابل "اسلام سیاسی"، "طرح‌های ناتوی"، "دمکراسی" در جریان است! جدال طبقاتی بیش از هر دوره ای، به صحنه سیاسی جامعه رانده شده است. در ایران

تحت حاکمیت فاشیسم اسلامی و بورژوازی حریص و مفت خور صدها نفر از این کاپیتالیستها، به صف میلیاردهای جهان پیوسته اند، بهترین زندگی و رفاه و سوداندوزی و استثمار را بر اثر رنج و کار کارگران، بیکاری میلیونی، تورم و گرانی و فقر، بهم زده اند. انتخابات به طبقه حاکم و چپاولگران جامعه بورژواها مربوط است. در این مضحکه خبری از آزادی تشکلهای و بیجان و کاندیداتوری زنان نیست! در این نوع "انتخابات" که از قبیل تعدادی جنایت کار، انسان کش و قاتل تحت نام «احراز صلاحیت» از کانال یک مشت آخوند از فقهی‌ها (شورای نگهبان) معرفی میشوند به کارگران و شهروندان میلیونی جامعه در ایران هیچ ربطی ندارند. "انتخابات" در این نظام استبدادی و فاشیسم اسلامی پوچ است. انتخاب، کارگران به حکم منافع طبقاتی و به حکم حق طلبی و اعتراضات روزمره در دفاعشان از مطالبات شان، دفاع از آزادی تشکلهای و بیان و رسیدن به مطالباتی که طی سه دهه گذشته مطرح کرده اند، است. انتخاب پرولتاریای صنعتی و صفوف میلیونی مزدبگیران جامعه، یک انقلاب سوسیالیستی و لغو کارمزدی است. تسلیخ و پروکاسیونهای بی‌مایه هیچ کدام از این‌ها که بنام کاندیدا معرفی شده اند، هیچ ربط و قرابتی با زندگی و اعتراض و مبارزه کارگران ندارد.

فعالین کارگری باید با هوشیاری اوضاع سیاسی کنونی را تعقیب کنند. کارگران باید در دل چنین شرایطی مبشر و مبلغ مردم و جامعه برای نزدیکی، اتحاد و ایجاد هم‌سرنوشتی طبقاتی در مقابل صف فاشیسم اسلامی و بورژواها باشند. جامعه در التهاب سیاسی

میخواهم پدرم را در کنارم داشته باشم، من در مقابله با سرطان میخواهم پدرم را نیز، در کنارم داشته باشم. آیا این خواست زیادی است؟ شما بگوئید؟ کارگران و مردم در شهرهای کردستان میتوانند معرکه اصلی جواب به این سوال باشند. فاز "ترحم" و "افسوس" و "دلسوزی" و "پیام و درود" گذشته است. جواب نامه و سوال نیما روشن است.

مردم در شهرهای کردستان، در کنار زانیار و پدر و مادرش ایستادند. به اعتراض و تجمع اعتراضی دست زدند. و در یک اقدام متحدانه به مدت چند ساعت شهر مریوان در حالت اعتصاب و ناراضی‌تبی توده‌ای قرار گرفت. جواب "نیما" عزیز هم را باید در این ظرفیت اعتراضی داد. دشمنی جمهوری اسلامی با فعالین کارگری و مدافعین حقوق کودکان، تجربه تازه ای نیست. یکی از عرصه و میدانهای نبردی که کارگران و مردم توانسته اند سنگری از این نظام ضد کارگر را فتح کنند، دفاع رادیکال و پیگیرانه از کارگران زندانی است. دفاع و آزاد شدن بهنام ابراهیم زاده و بودن او در کنار "نیما" عزیز را به امر فوری، اعتراضی و انسانی کارگران و جامعه تبدیل کنیم.

### کارگران و مضحکه انتخابات:

حدود بیست روز به انجام مضحکه انتخابات مانده است. کنجکاو و التهاب سیاسی پیرامون این مضحکه انتخاباتی، به کل جامعه سرایت کرده است. کسی نمیتواند با بی‌تفاوتی از کنار این وضعیت عبور کند. سوال و بحث در میان اقتشار اجتماعی جامعه، هر روز بیشتر میشود. این مضحکه انتخاباتی در شرایطی برگزار میشود که، اوضاع امروز جهان و ایران دستخوش تحولات چشمگیری شده است. تحولات مهمی در سطح دنیا، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا صحنه سیاسی و صف بندی و آرایش نیروهای اصلی کارگران و مزدبگیران جامعه از یک طرف و صف کنسرن، بانکها، بیمه‌ها، دولت‌ها و بورژواهای حریص و مفت خور را در

### مذاکره پ.ک.ک و دولت ترکیه...

از صفحه ۶

(عراق، ایران) هر چند فکر می‌کنم کردستان ترکیه تاریخا سنت جنبش کارگریش قوی تر و متشکل ترهم بوده و اتحادیه و سندیکا در آنجا سابقه بسیار طولانی تری هم دارد، اینجا به یک شکلی بوده و در آنجا به نوعی دیگری، متأسفانه نتوانستیم بطور کامل در این رابطه صحبت کنیم، با این وجود! فکر کنم یک دقیقه ای وقت داریم هرکدام از شما میتواند بصورت مختصر در این بار توضیح دهید؟

### محمد آسنگران: من فکرمی کنم برای این بحث طرح‌های

شهرستان پناه به دلیل تأخیر در پرداخت ۵ ماهه دستمزدشان، دست از کار کشیده و تجمعی اعتراضی را در محل کارشان برگزار کردند. کارفرمای این شرکت ۱۲ نفر از کارگران را اخراج کرده و به کارگران دیگر گفته است، در صورت ادامه اعتراضات، آنان نیز اخراج خواهند شد. همزمان کارگران این شرکت گفته‌اند، تا زمانی که دستمزد معوقه خود را دریافت نکنند، به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. هم‌اکنون شرکت "سانا" تولیدکننده برق در سد "داریان" به دلیل کمی اعتبار در آستانه تعطیل شدن قرار دارد.

### اعتصاب رانندگان تاکسی در کامیاران

۱۲ خرداد: به گزارش رسیده، رانندگان تاکسی در شهر کامیاران در روز شنبه ۱۱ خرداد دست به اعتصاب زدند. رانندگان اعتصابی خواهان افزایش کرایه تاکسی از ۲۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان شدند. این چندمین بار است که رانندگان تاکسی شهر کامیاران دست به اعتصاب می‌زنند. در پی این اعتصاب بسیاری از مسافران مجبور شدند مسیرهای خود را پیاده طی کنند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری.

### برگزاری دادگاه "واحد سیده، محمد مولانایی و یوسف آب خرابات در مهاباد

**فسان نویدیان:** با تشکر از محمد آسنگران و حیدرگویی. و با تشکر از بابک آزادی و احمد رحمانی که در تهیه و ضبط این میزگرد شرکت داشتند. و با تشکر از هه ژار علیپور که مسئولیت پیاده کردن این میزگرد را بهعهده داشته است.\*

گزارش دریافتی: روز یکشنبه ۱۲ خردادماه دادگاه سه نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در مهاباد برگزار شد. دادگاه "واحد سیده، محمد مولانایی و یوسف آب خرابات"، سه نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در شعبه یک دادگاه رژیم در مهاباد با حضور وکیل مدافع آنان در ساعت ۱۱ صبح برگزار شد. دستگاه قضایی رژیم اتهام این سه فعال کارگری را "ارتباط با احزاب مخالف و عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" اعلام نموده است. این سه فعال کارگری اتهام ارتباط با احزاب مخالف رژیم را رد و آن را یک اتهام ساختگی اعلام کردند اما از عضویت خود در کمیته هماهنگی دفاع کردند.

### لیست اعضای کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

احمد گوهریان، آرمان نوری زاد، امید اسدی، آزاد مرادی، نیا؛ امید ولی پور، احسان گندمی، ناشکان کیانی، افشین کیایی، اصغر احدی، ابراهیم عطایی، احسان زمردیان، احمد گوهریان، بختیار صمدی، بیژن رستمی، بهمن رادمنش، بهزاد فرج‌اللهی، پریسا ورمزیار، پریسا شانه‌ساز، ثریا اسدی؛ سوسن اسدی، سعید محمدی؛ شبنم حصاریان، شیرین مهدوی، شرکو

## نگاه هفته

حسینی؛ شیوا پولادی؛ اعظم پولادی؛ بیجینی فیضی؛ حاتم صمدی؛ حسن یزدی؛ حبیب پاکدل؛ خالد حسینی؛ خاطره حسینی؛ دین محمد محمدی؛ داود ذاکر؛ زانیار دباغیان؛ زبیده حاجی زاده؛ شیواش مهدوی؛ ژیان سبحانی؛ ریبوار عبد اللهی؛ نساره ترابیسان؛ علی آزادی؛ علانصیری؛ عادل طاهری؛ عرفان گندمی؛ غالب حسینی؛ فرزاد مرادی؛ نیا بفریدین میرکی؛ بفریدین قادری؛ یمازته نوری؛ فواد شبکی؛ فرد فرهاد هنرمندی؛ فریدون هنرمندی؛ فواد مهدوی؛ فواد شمس؛ فرشید مهدوی؛ فرامرزی احمدی؛ کمال ملکی؛ کورش بخشنده؛ کژال ملکی؛ لیلیا منوچهری؛ محمد عزیزی؛ مهرداد امین؛ مهتری هنرمندی؛ محمد رضا حق جو؛ محمود صالحی؛ معصومه صاحبی؛ محمود مهدوی؛ مریم همدی؛ مرضیه بعنوان؛ مینا عظیمی؛ محمود گوهریان؛ نیما ابراهیم زاده؛ نگار فلاحی؛ نسترن کوشا؛ ندا مولای؛ نسترن محمدی؛ نیره مداعی؛ ویدا سرافرازی؛ ثلثی آزادی؛ پوریا اسماعیلی؛ یئدی صمدی؛ یئدا. قطبی؛ یونس مظاهری؛

### آخرین گزارش از وضعیت بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری و مدافع حقوق کودک

بعد از اینکه پزشک قانونی در روز یکشنبه پنجم خرداد در بیمارستان محک با فرزند کارگر معترض بهنام ابراهیم زاده دیدار کرد، وی را مورد معاینه قرار داد. پزشک قانونی پس از معاینه تایید کرد که بهنام باید در کنار فرزند بیمارش بماند. اما در تائیدیه پزشک قانونی به مقامات دادستانی تاریخ معینی مشخص ذکر نشده است. تنها به این مساله اشاره شده که نیما ابراهیم زاده در بیمارستان محک بستری است و تحت درمان و شیمی درمانی قرار دارد و حال عمومی نیما خوب نیست. حالت تهوع و تشنج دارد و از خوردن و آشامیدن نیز خوداری می کند و ضروری است که بهنام در کنار فرزند بیمارش بماند. از این رو بهنام امروز به دادستانی مراجعه کرد و از نزدیک با دادیار ناظر بر زندان، آقای خدابخشی دیدار کرد و گزارشی از وضعیت خود

مختص به گروه یا حزب خاصی نیست و هیچ دولتی نمی تواند مانع از برگزاری این روز توسط کارگران شود. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

### گزارشی از شرکت بوم سازان زاگرس

۸ خرداد: به گزارش رسیده، شرکت بومسازان زاگرس، پیمانکار نهالستان منابع طبیعی سنندج (روستای قار) مدت ۷ ماه است که حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است. این کارگران به اداره کار شکایت کرده اند؛ اما تاکنون نتیجه ای نگرفتند. گفتنی است این کارگران که ۱۱ نفر هستند، بین ۲ تا ۳۰ سال سابقه کاری دارند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

### کشته وزخمی شدن ۳ کارگر بر اثر پارگی تسمه در کارگاه سفالپزی در پیرانشهر

به گزارش ۱۰ اردیبهشت گردپا، در حادثه ناشی از کار در روستایی از توابع پیرانشهر، یک کارگر جان سپرد و ۲ تن دیگر نیز زخمی شدند. براساس این گزارش، روز هشتم خردادماه بر اثر پارگی تسمه در کارگاه سفالپزی، یک کارگر شاغل به نام "ابوبکر" فرزند علی اهل روستای "خرنج" جان خود را از دست داد. وی متأهل و دارای فرزند می باشد. این گزارش حاکی از آن است که در این حادثه ۲ کارگر دیگر به نام های "مسعود مردادی" فرزند جعفر و "علی مراد رسولی" فرزند اسماعیل نیز به شدت زخمی شده اند.

### ۳ کارگر، قربانی حادثه ی کار در پناه شدند

به گزارش ۵ خرداد گردپا، حوادث ناشی از کار در شهرستان پناه، سبب جان باختن یک کارگر و زخمی شدن دو تن دیگر شد. این گزارش حاکیست، روز گذشته، چهارم خردادماه، یک کارگر گرد به نام "بختیار شاهویسی" فرزند "علی"، اهل روستای نینسانه از توابع شهرستان پناه در هنگام کار، جان خود را از دست داد. این کارگر گرد، متأهل و دارای دو فرزند بوده که به دلیل بی توجهی کارفرما و نبود آمینی در محل کار، جاننش را از دست می دهد. در همین حادثه، دو کارگر دیگر که هویت آنان نامعلوم است به شدت زخمی شده که جهت مداوا به

بیمارستان پناه منتقل شدند.

### مجمع عمومی سالیانه کارگران خباز سقز

برابردعوتنامه ی قبلی از کارگران خباز دعوت شده بود که در روز چهارشنبه مورخ ۸ خرداد ماه ۱۳۹۲ ساعت چهاربیدازظهر در محل کتابخانه عمومی شماره یک، واقع در خیابان ساحلی شهر سقز، حضور به هم رسانند. در ساعت مشخص شده کارگران در محل جمع شدند. ساعت چهارونیم جلسه با حضور ۱۴۹ نفر رسمیت پیدا کرد. ابتدا مجری برنامه برهان حسینی ریزبرنامه هارا اعلام کرد، که بدین شرح بود: ۱. گزارش هیات مدیره و بازرسان. ۲. اعلام بیان سالیانه توسط خزانه دار، ۳. خط مشی انجمن در سال ۹۲. انتخابات برای هیات مدیره و بازرسان

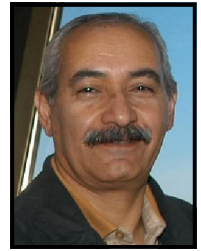
گزارش برگزاری مجمع: با اعلام اینکه جلسه مجمع عمومی رسمیت پیداکنند، از اعضای حاضر درخواست شد که هیات رئیسه را انتخاب کنند. مجمع عمومی از بین حضار پنج نفر را به عنوان هیئت رئیسه انتخاب نمود. ۱- علیرضاسلیمی ۲- امیرصالحی ۳- محمد عبدی پور ۴- جلال حسینی ۵- ایرج محمدی، تقسیم سمت کردند محمد عبدی پور به عنوان رئیس مجمع و ایرج محمدی به عنوان نایب رئیس و علیرضا سلیمی به عنوان منشی و جلال حسینی و امیرصالحی به عنوان ناظر انتخاب شدند، در حین برگزاری مجمع رئیس اداره کار و نیروهای امنیتی بانمانده اداره کار، علی موسوی که در مجمع حضور داشت، تماس گرفتند و از ایشان خواستند تا به مجمع اعلام کند عبدی پور و جلال حسینی باید از جایگاه رئیس و ناظر مجمع حذف شوند و کسانی دیگر جایگزین آنان شوند درغیراینصورت از ادامه مجمع جلوگیری خواهند کرد. نماینده اداره کار علی موسوی این مسولیت را قبول نکرد و گوشه رابه رئیس هیات مدیره، محمد احمد پور داد و از ایشان خواستند که به عبدی پور و حسینی اعلام کند که ایشان هم گفت رفقا اینها به شماها حساسیت دارند و به ماعلام کرده اند، اگر از سمتشان حذف نشوند از

ادامه مجمع جلوگیری میکنیم، ما از رفقا درخواست مینماییم که، خودشان تصمیم بگیرند. محمد عبدی پور و جلال حسینی به نحوه حذف خودشان اعتراض کردند ولی اظهار نمودند، باتوجه به اینکه نیروهای امنیتی و رئیس اداره کار به حضور ماحساسیت دارند مشکلی نیست ما از سمت خود بنا بر حساسیت مامورین، صرف نظر نمیکنیم و صرف نظر ما به این دلیل است که، ازادامه کار مجمع جلوگیری نکنند. سپس کارگران خباز از وضع موجود اعتراض کردند، با انتخاب هیات رئیسه جدید، مجمع کار خود را شروع کرد، محمد احمدپور رئیس هیات مدیره گزارش سالیانه رابه مجمع ارائه داد، سپس گزارش مالی قرائت شد. در رابطه باخط مشی جدید انجمن هیات مدیره جدید را مامور یک سری اصلاحات در اساسنامه کردند و در پایان انتخابات برگزار شد که محمد احمد پور و حیدر حسینی و رضاسماعیلی به عنوان هیات مدیره و محمد محمدپور به عنوان بازرس انتخاب شدند.

### اعتصاب کارگران کوره پزخانه های سارو قامیش

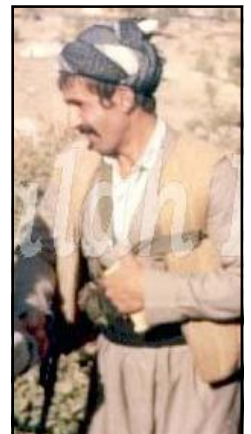
بر اساس خبر رسیده از ایران، روز یکشنبه ۱۲ خرداد در منطقه ساروقامیش در ۷۲ کوره پزخانه میاندوباب که حدود ۷۲ کوره پزخانه آجر پزی جود دارد و هر کدام به طور میانگین ۴۰ نفر کارکر دارد، تمام کارگران قسمت دستگاههای اجرایی دست به اعتصاب زده و خواهان افزایش دستمزدها یشان شدند در حال حاضر به ازای پخت هر ۱۰۰۰ آجر ۵۰۰۰ تومان دریافت میکنند و الان این کارگران خواهان این میباشند که در ازای پخت هر ۱۰۰۰ آجر ۱۰۰۰۰ تومان دریافت کنند این کارگران قبلا این خواسته خود را با مجموعه کارفرمایان این کوره پزخانه ها به صورت شفاهی اعلام کرده بودند ولی جوابی نگرفته بودند و در حال حاضر تا این ساعت این کارگران به همراه خانوادههایشان که در حدود ۱۲۰۰ الی ۱۳۰۰ نفر میباشند در اعتصاب هستند. خبر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران.\*





عبدل گلپرین

تا اواخر تابستان سال ۶۲ به این شکل در مناطق اشغالی که توسط رژیم تصرف شده بود حضور داشتیم. هر از چندگاهی همراه با گردان شاهو و در مواقعی هم برای چند روز تماس و ارتباط با فعالین تشکیلات در روستاها به تنهایی به این ماموریتها می رفتیم. حضور نیروی مسلح کومه له در این مناطق بر روحیه مبارزاتی مردم تاثیر بسزایی داشت. هر روز عصر نزدیک به تاریخ شدن هوا وارد روستایی می شدیم که بر بلندی مشرف بر آن يك پایگاه نظامی رژیم قرار داشت. افراد مستقر در پایگاه متوجه حضور ما می شدند اما جرئت نشان دادن واکنشی از خود را نداشتند. از طرف دیگر به محض ورود ما به هر روستایی، همه اهالی روستا از زن و مرد، پیر و جوان با شور و اشتیاق به استقبال ما می آمدند. ما نیز در دسته های چهار پنج نفره کمتر یا بیشتر در منازل مردم برای استراحتی چند ساعته و صرف شام تقسیم می شدیم. بعد از آن از طریق افرادی از روستا به مردم اطلاع داده میشد که در مسجد روستا یا در محوطه ای در وسط روستا جمع شوند. همه مردم می آمدند و يك نفر از ما بر سر اوضاع سیاسی ایران و کردستان و آخرین تحولات روز برای مردم سخنرانی می کرد.



در این گشت سیاسی نظامی

## مختصری از تاریخ یک دوره / بخش دوازدهم

رفیق جانباخته خسرو رشیدیان که فرماندهی این گردان را بر عهده داشت هر از چندگاهی برای مردم سخنرانی میکرد. خسرو طبع شاعری داشت و به هنگام سرودن اشعار انقلابی آنرا با دکلمه ای احساسی بگونه ای بسیار زیبا ارائه میداد. شعر "پیره هه لو" یا عقاب پیر و همچنین شعر "توتنه وان" یا تنباکو کار که در پایان هر سخنرانی توسط او اجرا می شد، هیچوقت از خاطره مردم روستاهای جنوب کردستان و همسرزمانش زوده نخواهد شد.

مانند ما در روستا و تا نزدیکی های صبح و حرکت بطرف مسیر بعدی بسته به موقعیت منطقه بود. مواقعی پیش می آمد که در روستایی که احتمال بروز درگیری با نیروهای سپاه و گروه ضربت نبود برای يك یا دو روز آنجا می ماندیم در غیر اینصورت با گذاشتن نگهبانان چرتی می زدیم، استراحتی میکردیم و با تهیه خوراکی از همان منزلی که از ما پذیرایی شده بود با بدرقه گرم آنان روستا را ترک میکردیم.

طول روز را در مکانهایی پوشیده از درخت سپری می کردیم و در پوشش درختان و با آمادگی کامل نظامی تا عصر استراحت می کردیم. در گیر شدن با نیروهای رژیم در مناطق تحت تسلط آنان بنفع ما نبود و سعی میکردیم تا نزدیکیهای عصر از حضور ما مطلع نشوند. اما بعد از غروب آفتاب این ما بودیم که تا طلوع آفتاب منطقه را تحت کنترل خود داشتیم. ساعتی که بیرون از روستا و در میان درختان

انبوه بودیم، فرصتی بود هم برای استراحت، گرفتن جلسات و اگر رودخانه ای در نزدیکی وجود داشت فرصتی بود برای استحمام و شستن لباسهایمان.

اواسط تابستان ۱۳۶۲ در روستای "قصریان" مابین سنندج کامیاران حضور پیدا کردیم. مردم استقبال شایانی از ما بعمل آوردند. پایگاه نیروهای نظامی رژیم مقداری از روستا فاصله داشت و ما نیز در طول روز بطور علنی و با آمادگی کامل نظامی در روستا حضور داشتیم. نیروهای رژیم متوجه حضور ما در این روستا شده بودند. روز بعد

شرایطی تاسیس شد که از یکسال قبل از آن حکومت اسلامی تهاجم وسیع و گسترده ای را علیه سازمانهای سیاسی و به منظور به شکست کشاندن انقلاب مردم آغاز کرده بود. بعد از این تهاجم که به دستگیری بسیاری از فعالین، کادرها و اعضای سازمانهای سیاسی و چپ در بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰ منجر شد و تعداد زیادی را تا آن لحظه اعدام کرده بودند، فضای تاریک و سنگینی بر کل جامعه سنگینی میکرد. زندانها پر بود از اعضا و فعالین این سازمانها. يك سال و سه ماه بعد از این تهاجم بود که حزب کمونیست ایران اعلام موجودیت کرد. تشکیل حزب همانند نوری در تاریکی امید را در دل مردمی که بخاطر يك زندگی بهتر حکومت شاه را سرنگون کرده بودند دوباره زنده کرد. خبر تشکیل حزب در میان بخش زیادی از کارگران، در میان فعالینی که در زندانهای جمهوری اسلامی اسیر بودند و برای بسیاری که توانسته بودند از زندان و موج اعدام فرار کرده یا مخفی و یا خود را به مناطق تحت نفوذ نیروهای مسلح کومه له برسانند بسیار امید بخش بود و روحیه تازه ای را در میان گرایش چپ و آزادیخواهی در جامعه بوجود آورد.

امیدی برای قد راست کردن کمونیسم و مبارزات مردم بود. آن بخش از زندانیان سیاسی که شانس آورده بودند و جزو موج اعدامها نبودند، در درون زندانها روحیه ای تازه تر گرفته بودند. خبر تشکیل حزب کمونیست به وضعت سراسر ایران پخش شد و همه جا طنین انداز

محل و متکی به زحمتکشانش و توده های مردم روستایی بیرون آورد و آنرا با افق و اهداف يك حزب کمونیستی که کارگر و مراکز صنعتی و شهری را موضوع جدی کار خود قرار می داد گره زد.

ادامه دارد

## رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،  
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،  
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

## من نیما ابراهیم زاده فرزند بهنام ابراهیم زاده ام و از شما سئوالی دارم؟



آهای وجدانهای بیدار بشریت! من نیما ابراهیم زاده فرزند بهنام ابراهیم زاده ام و از شما سئوالی دارم؟ از شما سئوالی دارم؟ من به کجا باید پناه ببرم، کجا باید فریاد بزنم و بگم به چه جرمی باید اینقدر درد و رنج بکشم؟ شما بگید جرم من چیست؟ آهای! شما انسانها، شما وجدانهای بیدار، شما که سازمان درست کرده اید و میگوئید مدافع حقوق کودکان هستید، شما که میگوئید نهادهایی هستیم که کودکان سرطانی را مورد حمایت قرار میدهم، شما که مدافع حقوق انسان و انساندوست هستید، شماهایی که مثل پدر من کارگر هستید، من امروز به شما نیاز دارم، فردا شاید خیلی دیر باشد، من در این روزهای سخت به شما روی آورده ام، از شما چیزی نمیخواهم، جز اینکه خواهان آزادی پدرم باشید، من در این روزهای سخت شیمی درمانی، میخواهم پدرم را در کنارم داشته باشم، من در مقابله با سرطان میخواهم پدرم را نیز در کنارم داشته باشم. آیا این خواست زیادی است؟ شما بگوئید؟ نیما ابراهیم زاده هستم، در تهران زندگی میکنم. تقریباً ۴ ماه پیش طی آزمایشاتی دکترها تشخیص دادند که من مبتلا به سرطان خون هستم. از عواقبش و از مراحل درمانی و غیره تاکنون دکترهای بیمارستان محکم برایم بسیار گفته اند معالجه ام سخت سرطان است، سرما خوردگی نیست، شوخی هم نیست. بعضی وقتها از این همه دارو که مصرف میکنم که تماما بیحالم میکنند، خسته میشم. ولی باز پدرم، مادرم و دوستان خوبم من را تشویق میکنند که من میتوانم دوباره سلامتی کامل

چند ماه همراه با تحمل مریضی سرطان و همچنین در غیاب پدر عزیزم من را خیلی زودتر بزرگ و با تجربه کرده است! پدرم همیشه به من گفته که حق کسی را نباید پایمال کرد. به من درس انسانیت داده است. پدرم از درد کارگران و مردم فقیر صحبت میکند. پدرم از کودکانی برایم صحبت میکند که سقف پلها، سقف خانه هایشان و تکه های مقوا تخت خوابشان است. بابام همیشه از احترام به انسانها صحبت کرده است. حالا دوست دارم بدانم چرا برای این حرفهای منطقی و این همه دلسوزیها او باید در زندان به سر ببرد و در کنار من نباشد؟ من به پدرم نیاز دارم، واقعا نیاز دارم. هر وقت دلم میگيره میاد سربه سرم میگذاره، باهام کشتی میگيره، هر جوری شده میخواهد شاد باشم. آیا این چنین پدری باید جایش در زندان باشد. من میدانم در این مدت ما دوستان زیادی پیدا کردیم و ما را به همه لحاظ حمایت کرده اند. من از همه شون تشکر میکنم. چون این حمایتها باعث شد به پدرم مرخصی بدهند و مدتی برالینم باشد و دست نوازش او را بر تنم و وجود احساس کنم. هر لحظه آرزو میکنم که کسی زنگ بزند و بهم بگن که بابات برای همیشه بیشت میماند. آزاد است. اما مگر صاحبان زندان و زندانبانها ما را راحت میگذارند. با هر تلفنی تن هر سه تای ما را میلرزاندند. امروز هم یکی از اون روزها بود. نمیدانم برای خودم نارحت باشم یا برای بغض پدرم که پشت تلفن داد میزند من به زندان برمیگردم ولی امروز نه! به پسر قول دادم باهاش به دکتر برم. دلم برای اشکهای مادرم که سرازیر شده و زمین زمان را نفرین میکرد میسوزد من از همه شما که صدای من رو میشنوید و نوشته من را میخوانید میخواهم که من و خانواده ما را حمایت کنید. آهای وجدانهای بیدار بشریت، مگر توقع زیادی است که خواهی پدرت در کنارت آزاد باشد، شما بگوئید. نیما ابراهیم زاده چهاردهم خرداد ۹۲ باز تکشیر از کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده \* \* \*

## کانال جدید ۲۴ ساعته میشود

کانال جدید بزودی برنامه های ۲۴ ساعته خود را از کانال "نگاه شما" در شبکه هاتبرد شروع میکند. برنامه های آزمایشی ما از روز ۹ خرداد (۳۰ مه) از این کانال پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: 11200

پولاریزاسیون: عمودی

سمبل ریت: 27500

FEC 3/4

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

باد آوری میکنیم که برنامه های کانال جدید در شبکه کوردکانال همچنان تا روز ۳۰ خرداد امسال (۲۰ ژوئن) ادامه خواهد داشت.

کانال جدید

۷ خرداد ۱۳۹۲، ۲۸ مه ۲۰۱۳

## آموزش رایگان حق همه کودکان است

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حق است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و تامین شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدرومادریانشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند.

همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. خرافه و جهل و اراجیف آخوندهای حاکم علم نیست. شششوی مغزی است. با خواستهای:

تحصیل رایگان برای همه کودکان و ممنوعیت هر نوع اخاذی به اسم شهریه یا تحت عناوین دیگر

- پرداخت کمک هزینه های لازم برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان

- جدایی مذهب از آموزش و پرورش

- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصول آموزش و پرورش علمی و غیر مذهبی هستند

- پایان دادن به کنترل و تفتیش دولتی در مدارس

از حقوق خود و آینده کودکانمان دفاع کنیم

## حزب کمونیست کارگری ایران



## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrswwift code : BOFAUS

## شماره حساب انگلیس

## ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

## سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۸۹۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## امسال هم کنفرانس سازمان جهانی کار با فریاد "جمهوری اسلامی را اخراج کنید" افتتاح شد!

روز ۵ ژوئن در اولین روز گشایش کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار هیاتی از طرف "کمیته همبستگی بین المللی کارگری-ایران" و حزب کمونیست کارگری ایران حضور یافتند و با شعار جمهوری اسلامی را از سازمان جهانی کار بیرون کنید، صدای اعتراض کارگران و مردم ایران را نمایندگی کردند.

پاسکال دکامپ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، فعال اتحادیه کارگران س ژ ت در فرانسه و فعال کمپین برای آزادی کارگران زندانی، یوران گوستاوسون از فعالین اتحادیه ال او در سوئد و عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگری، مسعود کریمی، پدram رضا زاده، ناصر کشکولی و جمیله میرکی از کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران اعضای این هیات بودند که

این بخشی از تلاش وسیعتر حزب کمونیست کارگری برای منزوی کردن جمهوری اسلامی و فشار به دولت ها و نهادهای بین المللی برای بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی و اخراج آن از کلیه نهادهای بین المللی است. جمهوری اسلامی نباید بعنوان دولت ایران برسمیت شناخته شود، باید از کلیه نهادهای بین المللی اخراج شود، سفارتخانه هایش تعطیل شود و سران آن به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ ژوئن ۲۰۱۳  
۱۵ خرداد ۱۳۹۲

صحبت خود خطاب به حاضرین گفت که مزدوران خانه کارگر و نمایندگان جمهوری اسلامی که در این کنفرانس شرکت دارند قاتلین و سرکوب کنندگان کارگران و مردم ایران هستند و باید از سازمان جهانی کار اخراج شوند.

این هفتمین سالی است که با شروع کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، فعالین حزب کمونیست کارگری از پشت تریبون و یا از وسط سالن صدای اعتراض کارگران ایران را نمایندگی میکنند و کنفرانس را به محلی برای افشای جمهوری اسلامی و مزدوران خانه کارگش تبدیل میکنند.

با افتتاح کنفرانس شروع به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی کردند. اعضای این هیات با بلند کردن پوسترهای بزرگی از کارگران زندانی و برافراشتن بنری که خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار روی آن نوشته شده بود، شروع به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی کردند و اعلامیه هائی را در میان حاضرین توزیع کردند. با این حرکت، کنفرانس به مدت چندین دقیقه روال عادی خود را از دست داد و هزاران نفر از حاضرین کنفرانس شروع به گرفتن عکس و فیلم از فعالین این حرکت و پوسترهای کارگران زندانی در ایران کردند. جمیله میرکی در



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

انتخاب مردم  
سرنگونی جمهوری اسلامی است!



## شرایط کار و زندگی کارگران مهاجر در کردستان عراق / بخش دوم



### ژینا رنوف

سازندهای وسیع، آواره گشته و دنبال لقمه نانی است و با مبلغ ناچیزی که همراه دارد مجبور است در این مدت زمان کم، کاری را دست و پا کند و مسئله خواب و خوراکش را نیز با هزار بدبختی تحمل کند. جالب اینجاست تازه اگر کاری را پیدا کرده باشد مشکلاتش شروع می شود! در این مدت پولش ته کشیده، وقت و زمان ورود موقتش بسر رسیده و مسئله اقامت و ضمانت کردنش دست به دست هم می دهند و بعلاوه وضعیت نابسامان اقتصادی نیز، فعلاً راه برگشتی هم وجود ندارد. باتوجه به وضعیت بی ثبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی حکومت محلی، سیستم امنیتی آن، (آسایش) تمام موارد احتمالی امنیتی را برسر کارگران مهاجر اجرا می کند. برای هر کارگری که بخواهد بعد از موعد تعیین شده، در کردستان بماند، باید از طریق شخصی یا یک شرکت فرمایشی که تعدادشان زیاد است، اقدام به اخذ اقامت کند. کارگر باید هفت خان رستم را طی کند و مراحل سخت و غیر قابل پیش بینی که برای هر کسی به شکل مختلف پیش می رود را بگذراند. یکی از این راه ها، طریق شخصی عمل کردن است. از این طریق اولاً باید تلاش کند یک اقامت ۲ ماهه بگیرد و در این مدت نمی توان از مرز خارج شد، به محض اولین تردد، کارت را باز پس گرفته و باطل می کنند! مرحله دوم صادر کردن مجوز ۶ ماهه و بعد از اتمام مهلت اقامت یک ساله دریافت خواهد شد. مبالغی بابت دادن این نوع اقامت گرفته میشود که هزینه آن به ترتیب: ۱۵۰۰۰۰ دینار، ۲۵۰۰۰۰ دینار و ۴۰۰۰۰۰ دینار می باشد. اما کارگری که

۱- این بخش از طبقه کارگر کشورهای بحران زده و در حال تغییر منطقه، خصوصاً ایران از نظر سیاسی و جایگاه اجتماعی و انسانیشان، در موقعیت بدتری به نسبت امنیت شغلی، قبلی شان قرار گرفته اند! طبق طبیعت نظام سرمایه داری و خصلت سود جویانه اش، کارگر را در وضعیت و تنگنای اقتصادی و اجتماعی شکننده ای قرار می دهند که توان عرض اندام و دخالت سیاسی را از او گرفته باشند! خصوصاً در پروسه ای همچون مهاجرت هم قرار گرفته باشی! در این مورد برای مثال، کارگران مهاجر ایران را مورد خطاب قرار می دهیم. هنگام ورود کارگران مهاجر به کشور حکومت فدرال قومی در کردستان عراق، توسط دولت ایران بعنوان عوارض خروج از مرز از طریق گمرک مرزی مبلغ ۱ هزار تومان، بصورت رسمی از کارگر و یا هر کسی که به عراق می رود دریافت و در قبال اخذ آن قبض رسمی با شماره حساب بانک ملی صادر خواهد شد. طبق توافق و تئانی کشور ایران و پلیس مرزی کردستان عراق، کارگر مهاجر و یا هر مسافر و توریستی می تواند به مدت ۱۰ روز در خاک و سرزمین مشترک اتحادیه میهنی و حزب دمکرات بماند. اخیراً بنا به اعتراضات وسیع و غیر قابل کنترل از نظر ازدحام جمعیت، در مرزها و بالا گرفتن شدت این برخورد ها با پلیس کردستان و رسوایی اجرای این قانون سود جویانه، مدت آن را به ۱۵ روز افزایش داده اند. برای کارگری که بخاطر اخراج

دارای فن و تخصصی ویژه باشد و یا با همان مشاغل رایج در کار ساختمان، در یکی از کمپانیهای عراقی، ترکیه ای و یا هر کشور دیگری مشغول بکار شود، مبلغ کمتری بابت این اخذ می پردازد. بهر حال در هر سه مرحله اقدام، برای گرفتن یک کارت اقامت، سه مرحله زیر هم برای بخش خصوصی وهم شرکتها الزامی است. الف. بازجویی مفصل و مشکوک همراه با تهدید و تحقیر، انتظار ماندن جهت قبولی یا رد و دریافت کد شناسایی محل کار و خواب، ب. آزمایش خون و مسائل جانبی و...ث. دریافت کارت و امضاء خاتمه پیدا می کند. البته در این مورد هم شخص تقاضا کننده به هیچ وجه نمی تواند نه از آن شرکت خارج شود و نه از مرز عبور کند؟! ضمناً این کمپانیها اقامت را برای کارگران طوری صادر می کنند که کارگر اگر به هرعلتی از آن شرکت برود، اقامه اش باطل و در همان ساعت فرد قاچاق حساب می آید!

۲- بعد از ۲۱ سال تمرین دولت داری و دم از تمدن و آزاد اندیشی زدن!!! فاقد حد اقل قوانینی مانند بیمه های اجتماعی، پرداخت هزینه ناشی از عدم ایمنی محیط کار و یا فاقد ارگانی مسئول در قبال هزاران انسان بی حقوق هستند. کتک زدن، دیپورت و اذیت و آزار، بی مسئولیتی در قبال کار هزاران نفر، انجام امور فرمایشی و فرمال مانند اقامه و پاسپورت، این دست از ارگانها را به یکی از پردرآمدترین مراکز باج گیری قانونی و پرورش صدها نفر دلال و باند و سوداگر تبدیل کرده است. در این مکان روزانه کارگران مهاجر از کشورهای مختلف طرف قرارداد حکومت محلی در فصول مختلف و درصدهای طولانی و با تکرار چندروز متوالی برای هر کارگر و یا بخش مسافران و توریستها و غیره، از ساعت ۴ صبح تا ۳ بعد از ظهر سرگرداند و به یک مکان پراز بی حرمتی و حق کشی مراجعین تبدیل گشته است. طبق قانون کذایی این دولت، همه ادعاهای پوچ و پوشالی، کارگری که یک روز در

شناسایی شده اند و قرار بوده در هتل بخواهند. و صدها مورد دیگر از این قبیل، گوشه ای از درد و رنج کارگران مهاجر است. این نوشته تنها گوشه ای از واقعیت این جزیره خوشبختی یک عده کهنه پرست، انگل جامعه، درون کشور عراق هستند. در نتیجه هزاران برخورد و ابراز انزجار از این وضعیت ضد انسانی، در اردیبهشت سال ۲۰۱۳ توسط جمعهای از کارگران مهاجر نشستهایی صورت گرفت و یک بیانیه ای در خصوص پاره ای از مطالباتشان تنظیم گردید و در نهایت چند نماینده خود را نزد سندیکاهای کارگری فرستادند و با ارائه بخشی از خواسته هایشان در کمیته برگزار کننده اول ماه می شرکت و روز مراسم نیز از طرف مجری مراسم بخشی از بیانیه کارگران مهاجر قرائت شد.

بیانیه ضمن اعلام همبستگی خود با همسرانشان عراقی خود، چند بند از مطالبات میرم خود را مطرح نمود. ۱- باید مدت ورود به خاک کردستان عراق برای هر کسی و از جمله کارگران مهاجر حد اقل ۳ ماه باشد ۲- برخورداری از تمام مفاد قانونی و مزایای یک شهروند عراقی. ۳- حق برخورداری از اجاره کردن و یا هر جایی که کارگران با میل و رغبت خود می خواهند زندگی کنند. ۴- تعیین دست مزد متناسب با زندگی نرمال و بدون در نظر گرفتن تفاوت یا اختلاف سطح پول و تورم کشورهایی که کارگران آن در عراق مشغول بکارند. ۵- خوستار به رسمیت شناختن تشکل مستقل کارگران مهاجر به هر شکلی که می خواهند از جمله شورای کارگران مهاجر.

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگری  
شهر سلیمانیه اول می ۲۰۱۳

**تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر**

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

**همکار نشر به ایسکرا: فرزاد کرباسی**

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

**سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**